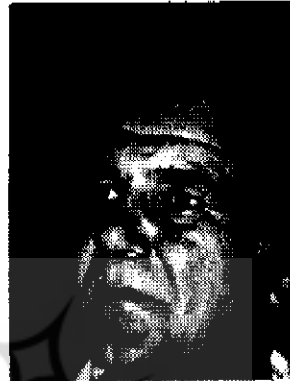


# گفتگو

محسن فاضلی

## گفتگو با

## محمد هادی نامور



□ لطفاً ضمن معرفی کامل خودتان از کارنامه هنریتان در زمینه‌های نویسندگی، کارگردانی و بازیگری برای خوانندگان مجله سینما تئاتر بفرمائید؟

■ بنده محمد هادی نامور، کارمند آموزش و پرورش که در مقطع متوسطه به تدریس ادبیات فارسی مشغولم، کار تئاتر را از سال ۱۳۵۰ با بازیگری آغاز کردم و نمایشنامه‌های بسیار را بازی کردم که ذکر آنها طولانی است اولین نمایشی که نوشته و کارگردانی کرده‌ام و بنداب که در سال ۱۳۵۴ در اولین جشنواره تئاتر شهرستانها به روی صحنه رفت و نمایشنامه‌هایی چون ویس و رامین نوشته پرویز حسرتی - انکار ابراهیم مکی یک کاندید برای خوردن مروژک را در همان سالها کارگردانی کردم و بعد از انقلاب اسلامی نیز نمایشنامه‌هایی چون صالح آسیابان - صدای زنگ درمه - گناز - ماهیگیران - حکایتی ساده بعد از ظهر طولانی - دشت سنگ را نوشته که بعضی را نیز کارگردانی کرده‌ام.

□ چگونه وارد عالم هنر شدید و برخورد خانواده شما با فعالیت شما به چه نحوی بود؟

■ در سالهای ۱۳۵۰ مرکز آموزش تئاتر در شهر ما فعال بود و جاذبه داشت بهمین دلیل من هم از کسانی بودم که جذب این مرکز شدم - از آنجائیکه به معلمی اشتغال دارم بخش اعظم وقتم صرف تدریس می‌شود بنابراین با مشکلاتی که کار تئاتر در شهرستان دارد طبیعتاً اصطکاک با شغل اصلی من بوجود می‌آید بطور کلی برخورد خانواده در ارتباط با فعالیت تئاتری من متعادل است.

□ بیشتر در چه زمینه‌های کار می‌کنید و چرا؟

■ زمینه نمایشنامه‌های من متفاوت بوده است. عموماً این زمینه‌ها، اجتماعی و گاهی نیز فلسفی بوده است و علت هم تأثیرات محیط است، هر هنرمند با تأثر از محیط به ایده‌ای دست می‌یابد که در خاتمه به خلق اثری هنری می‌انجامد.

□ برایمان درباره سابقه تئاتر خطه خودتان بگویند و اینکه گروههای

اولیه تئاتری با چه مشکلات و چه امکاناتی کار می‌کردند چه در سالیان قبل از انقلاب و بعد از آن چه دگرگونی تاکنون صورت گرفته است؟  
■ مرکز آموزش تئاتر از سالهای ۴۷ - ۴۶ در گرگان تأسیس شد و کارشناسان بسیاری در این مرکز فعالیت داشتند که جا دارد از آقای سعید نیکپور - مسعود فقیه - منوچهر آذری یاد کرده شود - فقدان سالن - و آشنایی با منابعی که بتواند دست‌اندرکاران شهرستانی را آگاهانه در مسیر صحیح هدایت کند کمتر وجود دارد - اما اکنون در خطه ما تالار فخرالدین اسدگرگانی وجود دارد. بنظر می‌رسد بعد از انقلاب یک تحول عظیم فرهنگی و فکری در طرز تفکر هنرمندان ما بوجود آمده باشد. اما عدم برنامه ریزی دزست و تخصیص بودجه کافی این تحول بالقوه به فعل در نیامد یا اگر آمده کافی نیست و اگر آینده‌نگری نشود اثرات نامطلوبی خواهد داشت.  
□ برای ایجاد یک تئاتر ملی با هویت فرهنگ اصیل ایرانی چه پیشنهادی دارید؟

■ بیش از هر چیز مانند همه مسائل علمی و فنی ما نیاز به یک مرکز تحقیق داریم علاوه بر این به سرمایه گذاری نیز نیاز است البته در این زمینه هیچ کاری صورت نگرفته است، چنین مرکزی باید طرح بدهد و طرحها به معرض تجربه در آید - کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که مانند کشور ما بدینگونه پشتوانه‌ای تاریخی و فرهنگی داشته باشد، ما هنوز روی متون ادبی خود هیچ کاری نکرده‌ایم همانطور سایر منابع که ریشه در شخصیت ایرانی دارند. باید تحقیق شود تا طرح مناسب برای این محتوای غنی پیدا شود. و این با تجربه ممکن است اگر چه زمانی طولانی باید صبر کرد.

□ گروههای تئاتر شهرستانی برای ارتقا تئاتر چه گامهای بایستی بردارند؟  
■ بخشی از این سؤال به سیاست‌گذاری‌های مرکز هنرهای نمایشی مربوط می‌شود - اما شاخص بعضی از آنها زیاد گفته شده - شناخت و آشنایی تئاتر در معنای گسترده - و تجربه کردن - ما از تحولات تاتری در دنیا خیلی عقب مانده‌ایم. کمک و مساعدت مرکز هنرهای نمایشی در این مقوله بسیار مؤثر است امروز در دنیا دولتها به تئاتر مساعدت می‌کنند و این امری عادیست و ما در اینجا بیش از هر کجا به این کمک نیازمندیم.

□ مرکز هنرهای نمایشی در خصوص ارتقاء کیفیت بخشیدن به تئاتر کشور چه گامهای مؤثر می‌توانند در بهبود بخشیدن به گروهها تئاتری داشته باشید؟

■ وظیفه این مرکز بسیار حساس است، اول اینکه مسئولین مرکز باید عالم به وظایف خود باشد علاوه بر این باید دلشان به حال تئاتر بسوزد. همه جا بحث از کمی بودجه تئاتر هست مسئولین مرکز باید فعالانه مراکز تصمیم‌گیری را به ضرورت کار تئاتر آگاه کنند این آگاهی دادن نیاز ایثار و از خود گذشتگی دارد. طبعاً وقتی بودجه باندازه کافی نباشد برنامه ریزیهام نیم بنده خواهد بود و انگیزه‌ها نیز تقویت نمی‌شود علاوه بر این در کنار حمایت‌های مادی حمایت معنوی نیز باید باشد ارزش و بها دادن به کار هنرمند خلایق او را

تقویت خواهد کرد و خلاقیت خود راه نشان خواهد داد.

□ در مورد نمایش ایرانی چرا در طول سالیان گذشته تئاترهای فعال حضور کم رنگ داشته‌اند؟

■ این سؤال علل گوناگون دارد - گسترش سینما و تلویزیون که به تناسب تئاتر منبع درآمد گسترده‌تری مشکلاتی که سر راه تئاتر وجود دارد - بی‌مهری متولیان تئاتر و غیره... در مجموع همه اینها دست به دست هم دهند و سبب تفرقه و گریز بسیاری از هنرمندان با تجربه شده است که البته فاجعه بزرگیست.

□ در مورد نمایش دشت سنگ در شهرستان خودتان و در تهران استقبال مردم را چگونه دیدید؟

■ ما هنوز دشت سنگ را در گرگان و کردکوی به روی صحنه نیاورده‌ایم، اما می‌دانیم که اگر به روی صحنه بیاوریم با استقبال مواجه خواهد شد. بر خلاف انتظار ما این نمایش آنگونه که شایستگی داشت با استقبال مواجه نگردید من به علت‌های آن اشاره نمی‌کنم. فقط خرسندیم که تماشاچیان این نمایش خرسند سالن نمایش را ترک کردند.

□ جناب عالی به عنوان یک پیشکسوت تئاتر، تئاتر حرفه‌ای و تجربی را چگونه ارزیابی می‌کنید و چرا ما فاقد تئاتر حرفه‌ای هستیم و چه زمانی می‌توانیم دارای تئاتر حرفه‌ای باشیم و اصلاً شما چه اعتقادی دارید؟

■ این برمی‌گردد به تماشاچی - تئاتر حرفه‌ای زمانی می‌تواند معنی دقیق خود را داشته باشد که تماشاچی حرفه‌ای داشته باشد. هم اکنون به زحمت سالنهای تئاتر خود را پر می‌کنیم بسیاری از این تماشاچیان عموماً به سالن دعوت می‌شوند، خود پرورش تماشاچی تئاتر رو یک بحث جداگانه است ما باید در حال حاضر تئاتری اجرا کنیم که جاذبه جذب تماشاچی داشته باشد. آنهم نه در یک مقطع، بلکه مدام، بعدها دسترسی به تئاتر حرفه‌ای مقدور خواهد بود.

□ در خصوص دانشکده‌های تئاتر که هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود با توجه عدم امکانات و علاقمندان جوان به این رشته چه توصیه و طرحی می‌توانید ارائه کنید؟

■ همیشه تربیت نیروی انسانی مطابق نیازمندیهای جامعه است. و این از اجزاء اولیه برنامه دراز مدت دولتهاست. اینکه جوانان علاقمند به تئاتر باید تحصیلات آکادمیک داشته باشند درست است، اما برنامه‌ریزی برای جذب این متخصصان وجود دارد؟ آیا دانشگاه‌های ما منطبق با خواسته‌ها و نیازهای مردم در جهت اشاعه تئاتر سیر می‌کنند. آیا امکانات لازم برای فارغ التحصیلان پرچوش و خروش وجود دارد که یافته‌های خود را تجربه کنند بنظر نمی‌رسد برای این سؤالات جوابی داشته باشیم امروزه در همین تهران کاری که به صحنه می‌رود - خون دلها خورده می‌شود در این راستا نه سیاست‌گذاری شده و نه آینده نگری است.

پس نتیجتاً چنین متخصصانی عاطل و باطلی مانند یا جذب کارهایی می‌شوند که ربطی به ذوق و سلیقه آنها ندارد فقط دانشکده‌ها می‌مانند با سایه کمرنگ که پناهگاه مؤثری نخواهند بود و به تب مدرک‌گرایی گرفتار خواهند آمد، اگر تا حالا نیامده باشند.

□ وضعیت نمایشنامه‌نویسی در ایران در طول این سالیان چرا کم رنگ شده و نویسندگان چرا کم کار شده‌اند دلیل اینکه نمایشنامه‌ها از محتوای دراماتیکی دارای ضعف هستند ناشی از چیست؟

■ عدم حمایت از نویسندگان و مترجمان تئاتر از مؤثرترین عللهاست که سبب کمرنگ شدن آن گردیده است مقایسه یک فیلمنامه با یک نمایشنامه از نظر سودآوری مصداق این مدعاست.

یک نمایشنامه نویس نمی‌داند با چه امیدی بنویسد علاوه بر اینکه نتیجه احساس و اندیشه او هیچ بازتاب مادی ممکن نداشته باشد سر راه اجرای اثر او هزار مشکل وجود دارد در طول این ۷۰ - ۶۰ سالی که از عمر تئاتر می‌گذرد هیچ تلاش و کوششی برای جذب نمایشنامه نویسان و حمایت از آنها بطور جدی بکار نرفته است. گرایش به نمایشنامه‌نویسان خارجی که سهل‌الوصول و بافت دراماتیکی بهتری دارند وجود سانسور - دخالت مراکز غیر مسؤول و سایر عوامل - سبب وضعیت نمایشنامه‌نویسی شده است، گرایش به سبکها بدون آگاهی و شناخت کافی - فرم‌گرایی بدون هویت، گرایش به نوآوری بدون شناخت خیلی از عواملی هستند که در ساختار دراماتیکی نمایشنامه اشکال بوجود آورده است.

۱. امروزه به عنوان مسئول مرکز هنرهای نمایشی منصوب بشوید چه طرح و برنامه‌های اساسی در پیشبرد تئاتر ارائه خواهید نمود؟

■ از طریق مراکز آموزش تئاتر و جذب و تقویت مربیان کارآمد و سرمایه‌گذاری و حمایت از نمایشنامه نویسان جوان و متمهد، هسته‌های فعال نمایشی در سرتاسر کشور را تقویت می‌کردم. و برای هنرمندان با تجربه محیطی امن، و صمیمی، بدور از غرض ورزیها فراهم می‌نمودم.

□ نظرتان در مورد مجله تئاتر و سینما چیست؟

■ در این وانفسای غربت تئاتر مجله تئاتر و سینما، روزنه امید است بشرطی که عالمانه و بدور از تعصب و غرض با این مقوله برخورد کند، رقت و دلسوزی به خرج دهد تا شاید گره‌ای چند، از هزاران گره‌ای که سر راه این هنر مظلوم وجود دارد برداشته شود خداوند به همه دست‌اندرکاران این مجله توفیق دهد.



سوسن آقارجبی گفتگو با

□ ضمن معرفی کامل خودتان لطفاً از فعالیت و کارنامه هنریتان برای خوانندگان مجله سینما و تئاتر بگویید؟

■ سوسن آقارجبی هستم، و از سال ۶۷ با نمایش عصر چهارشنبه ... نوشته آقای ولی... صادقی و به کارگردانی آقای ابوالقاسم جلالی پا به عرصه هنر تئاتر گذاشتم و عنوان بازیگر برتر زن ایران در هفتمین جشنواره سراسری به من تعلق گرفت... در کار دوم من بعنوان بازیگر در نمایش «بعدازظهر طولانی» - به نویسندگی و کارگردانی آقای محمدهادی نامور که در جشنواره استان یزد مقام اول را بدست آوردم... امسال هم با نمایش (دشت سنگ) به

نویسندگی و کارگردانی آقای نامور به جشنواره آمدم و مقام دوم بازیگری را از آن خود کردم... از سال ۶۷ به شکل قراردادی با صدا و سیما گرگان و ساری همکاری داشتم به عنوان بازیگر و نویسنده... در اولین جشنواره رادیو نیز افتخار مقام بهترین زن بازیگر نصیب من شد و بصورت پراکنده در چند سریال تلویزیونی و سینما فعالیت داشتم که این نیز خود تجربه‌ای بود.

□ چگونه وارد عالم هنر شدید و با چه انگیزه‌ای؟

■ یک حادثه بود. در واقع بزرگترین حادثه‌ای که زندگی مرا دگرگون کرد شاید باید اعتراف کنم که تغییر مسیر زندگی‌ام را مدیون این حادثه هستم. ۱۵ روز به جشنواره ۲۲ بهمن سال ۶۷ مانده بود زندگی عادی و معمولی خالی از هر هیجان مثل خیلی از زنهای دور و برم تنها زندگی‌ام در چهارچوب خانه و خانه خلاصه می‌شد، گرچه عاشق هنر بودم، شعر می‌گفتم، داستان می‌نوشتم و با موسیقی آشنا بودم و هنر عکاسی را ستایش می‌کردم و عاشق صحنه بودم... ولی هرگز به ذهنم خطور نمی‌کرد که جرقه‌ای این سکوت و تاریکی را به دنیای روشنی و عشق رهنمون سازد. همسرم آقای صراط میهن در عصر چهارشنبه مسئول افکت نمایش، روزی به خانه آمدم و اظهار تأسف کردند که یکی از بازیگران زن نمایش بدلالی از ادامه کار طفره می‌رود و تأسف ایشان بخاطر نقش بسیار حساسی بود که بنظرشان حیف بود حذف شود. چون بخاطر نزدیک بودن ایام جشنواره و نداشتن بازیگر زن ناچار از حذف نقش زن و بازیگر مقابل ایشان بودند و طبیعتاً حذف بسیاری از دیالوگ‌ها و میزان سن‌ها به من پیشنهاد کرد. ترسیدم خیلی ترسیدم در توان خود نمی‌دیدم شاید هم چون تا بحال به این موضوع فکر نکرده بودم تصور می‌کردم از عهده هر کاری ممکن است بریایم جز بازی در روی صحنه آن هم با زمان کوتاهی که داشتم... کارگردان را می‌شناختم و شاید به نوعی نگران کار بودم. قبول کردم و با هزار ترس و دلهره اما با اطمینان از اینکه به‌رحال مانع از حذف یک نقش می‌شوم پذیرفتم. و وارد سالن تمرین شدم. هشت دقیقه بازی بود، و روزی که دومین تمرین را گرفتم با تعجب دوستان روپرو شدم و خوشبختانه توانستم علاوه بر اینکه مانع از نابودی یک شخصیت نمایش بشوم بانی رشد و شکوفائی او نیز باشم و این برای من افتخار بزرگی بود و از همانجا پی بردم که می‌شود و من هم می‌توانم اگر چه در تمام طول زندگی دلم می‌خواست فقط بنویسم و اگر روزی فرصتی پیش بیاید حتماً می‌نویسم.

□ تا بحال دوست داشتید چه نقشی‌هایی را ایفا کنید؟

■ آنچه که در ایفای یک نقش برای من مهم می‌باشد نزدیک بودن حس و شخصیت من به آن نقش می‌باشد. سعی می‌کنم به ذهنیت کارگردان نزدیک بشوم و نهایت تلاش هر بازیگر یقیناً همین هست. حالا تا چه حد موفق هست دیگر این بخودش بستگی دارد.

□ در نمایش دشت سنگ تا چه حد خود را موفق می‌بینید. و استقبال مردم در خطه شمال با تئاتر و حضور خانم‌های در زمینه‌های هنری چگونه برخورد می‌شود؟

■ شاید همین قدر که بتوانم دومین مقام را کسب کنم... اما تجربه تازه‌ای بود در خلق یک شخصیت زن روستایی و این برایم موفقیتی بزرگ بود.

و از استقبال مردم شمال در مورد کار و حضور یک بازیگر زن و یا یک زن در زمینه‌های هنری پرسیدید، اینهم از همان مشکلاتی هست که متأسفانه دست به گریبان خیلی‌ها شده، خوشبختانه در خانواده خودم مشکلی ندارم اما دیدگاه مردم کم و بیش به جهت هنر در زمان طاغوت و حضور زن در زمینه‌های هنر هنوز ترمیم نشده و شاید هم گاهی با ذن و گمان به این حرفه نگاه می‌کنند و اگر پذیرند که هنر مقدس تئاتر و سینمای دوره انقلاب از ابتدال دوره طاغوت فاصله گرفته همه چیز درست می‌شود و کار ما زنهای شهرستانی قابل فهم و ملموس تر.

□ تعریف شما از یک بازیگر خوب و موفق تئاتر چیست؟

■ همینکه بتواند به تماشاچی فضای موجود را برساند، همینقدر که تماشاچی در طول نمایش باور کند و از زمان و مکان خودش فاصله بگیرد و بتواند به نفس نفس بازیگر تمام زمان را و حوادث را حس کند و اینکه خودش را جدا از فضا و مکان نمایش نداند و به بهانه‌ای سالن را ترک نکند و یا سرش برای بیج بیج با بفل دستی خم نشود.

□ چه توصیه‌ای برای جوانان علاقمند به تئاتر دارید؟

■ اگر بگویم عاشق تئاتر باشد و عشق به صحنه داشته باشد شاید کلیشه‌ای و همه جایی باشد. نه، ولی تنها توصیه‌ی من ادامه تحصیل در این رشته می‌باشد، اینکه تحصیلات دانشگاهی داشته باشد.

□ آیا شما آدم نوستالژیکی هستید و در نقش خود به چه اصولی پایبند هستید؟

■ بازیگری منهای حس یک دانش علمی است که گاهی به تحصیل و گاهی به تجربه بدست می‌آید من از بازیگری جز حس می‌دارم و مطالعه هیچ نمیدانم و همه چیزم را مدیون حس و نرمش بدنی خود هستم و کارگردان و استاد خوبی که این حس را خوب به بازی می‌گیرد، ایکاش فرصت داشتم و امکانات که زیر نظر اساتید فن بازیگری را می‌آموختم نه فقط حس می‌کردم این کافی نیست گاهی آدم کم می‌آورد.

□ بعنوان یک زن بازیگر جایگاه زن را در تئاتر و سینما چگونه می‌بینید و نقشهایی که به خانمها محول می‌شود در ساختار دراماتیکی تا چه اندازه‌ای به واقعیت موجود در جامعه می‌بینید و اگر قصور مشاهده می‌کنید علل آنرا در چه عواملی می‌دانید؟

■ من فکر می‌کنم که اگر گاهی دست اندرکاران سینما و تئاتر زن را بعنوان یک موجودیت کامل پذیرند نه صرفاً به خاطر پرکردن فضا و گفتن چند دیالوگ، و به خاطر زن بودن او را در داخل آشپزخانه و پشت یک کوه سبزی پنهان نکنند و تأثیر مثبت یا منفی بودن زن در طول تاریخ را جدی بگیرند دیگر جویانی به اسم تفاوت زن و مرد وجود نخواهد داشت و زن می‌تواند جایگاه حقیقی خود را پیدا کند گرچه گاهی بی‌رحمی و بی‌اعتنائی در مورد شخصیت زن آنچنان آشکار و آگاهانه است که این قشر از جامعه را از خود می‌رنجانند و نمی‌دانم که چرا بیشتر وقتها باز تمام مشکلات یک خانواده، و اجتماعی به گردن این موجود حساس و صبور می‌افتد و گناه شکست و نابودی یک مرد و خانواده بگردن اوست تا کجا باید اینهمه را تحمل کرد و لبخند زد.

□ چرا در زمینه و مرصه تئاتر خانم‌ها به عنوان کارگردان پد نمایشنامه‌نویس حضور کم رنگی دارند؟

■ پاسخ را اغلب می‌دانند گرچه اعتراف آن دسته که بانی این حضور کمرنگ و گاه بیرنگ هستند تلخ و دشوار باشد. اما همت و توانایی و هماهنگی با خانواده هم یقیناً یکی از دلایل است مشکلات زنان را نه فقط خودشان که مردها هم می‌دانند و احساس همکاری و همدلی اگر در خانواده و همسرانشان مشاهده بشود خیلی از استعدادهای که در چهارچوب خانه‌ها نهفته شکوفا شود و ما بسیار نمایشنامه نویس و کارگردان بی‌نام و در جستجوی نام و راهیان گم کرده راه را کشف کنیم فقط کافست دریچه‌های بسته باز شود و تربیت به این سمت آغاز شود، به امید آن روز...

□ اگر روزی قرار باشد نمایشی را بروی صحنه بیاورید چه کاری را به عنوان کارگردان اجرا خواهید کرد؟

■ فکر کردن به این موضوع برای من گمان می‌کنم کمی زود باشد تنها هدایت کافی نیست آگاهی و کاردانی اصل است که تا به آن راهی دراز را باید پیمود تا بتوان در آن جایگاه نیز مطرح بود حرف اول را زد گرچه کارگردان همیشه حرف آخر را می‌زند... در آخر از تمام قلب‌های مشتاق و جستجوگر و از تمام مردم خوب این مرز و بوم می‌خواهم دعا کنند برای همه کسانی که زندگیشان را روی صحنه تئاتر و مقابل دوربین پرده سینما خلاصه کرده‌اند برای عاشقان و دلباختگان هنر و برای من که هنوز در آغاز راهی دشوار هستم.



## کفتگو با فرج... زاهدی

□ ضمن معرفی خودتان لطفاً بفرمایید از چه زمانی فعالیت هنریتان را شروع کردید؟

■ من فرج... زاهدی از دوره دبستان شروع بکار هنر تئاتر کردم □ در طول فعالیت تئاتری در چه نمایش‌هایی بازی داشتید و چه موفقیت‌هایی برای شما به همراه داشته است؟

■ میراب، غریب، آنجا که ماهیها سنگ می‌شوند. بعد از انقلاب نمایش صالح آسیابان. صدای زنگ درمه. گازر. جامعه خیال و دشت و سنگ کلا نویسنده و کارگردان جناب آقای محمد هادی نامور استاد بنده بودند بازی داشتم.

در نمایش صالح آسیابان در اولین یادواره شهید مدنی تبریز بعنوان بهترین بازیگر مرد و در صدای زنگ درمه بازیگر مرد دوم جشنواره سراسر تئاتر فجر و کارگردان دوم و در نمایش گازر عنوان بازیگر اول مرد در جشنواره منطقه استان لرستان و در نمایش دشت‌سنگ به عنوان بازیگر مرد اول در سیزدهمین جشنواره تئاتر سراسری فجر انتخاب شدم.

□ در چه زمینه‌هایی بیشتر فعالیت دارید؟

■ در زمینه هنر تئاتر بازیگری

□ در خطه شما وضعیت گروه‌های تئاتر از آغاز تا بحال چگونه بوده است؟

■ بخاطر علاقمندی مردم و جوانان در هنر خصوصاً تئاتر گروه‌های در منطقه تشکیل شده و فعالیت دارند و گروه تئاتر «راده» که از سال ۱۳۵۲ تشکیل شده بطور جدی تا بحال فعالیت تئاتر دارند.

□ مشخصات یک بازیگر خوب تئاتر را در چه می‌بینید؟

■ یک بازیگر خوب باید علاوه بر اعتقادات فطری که دارد و در امور اجتماعی و اخلاقی در جامعه الگو باشد و دانش هنری یک بازیگر باید بسیار باشد بازیگری موفق است که به کار شما ارزش قابل شود و به کاری و نقشی که به او محول می‌شود باور داشته باشد و رابطه یک بازیگر با کارگردان یک رابطه استاد و شاگردی و نهایت ادب رعایت شود تا بتواند در رشته خود موفق شود فرهنگ جامعه خود را بشناسد.

□ نحوه برخورد مردم خطه شما با تئاتر چگونه است و از چه نهادهای حمایت می‌شود؟

■ خوشبختانه مردم منطقه بسیار علاقمند می‌باشند و از هنرمندان حمایت می‌کنند و گروه‌های تئاتر بیشتر وابسته به اداره ارشاد اسلامی و انجمن نمایش می‌باشند و فعالیت می‌کنند.

□ چه انتظاری از متولیان مرکز هنرهای نمایش دارید؟

■ انتظار کلی هنرمندان تئاتر شهرستان از مرکز اولاً حمایت معنوی است و حمایت مادی که تا بتوانند در آن محیط کوچک کار تئاتر کنند. تشکیل کلاس و اعزام کارشناس. و سرکشی از انجمن نمایش شهرستانها توجه بیشتری به هنرمندان شهرستان بشود در صورت امکان بیمه کردن هنرمندانی که شغل آزاد دارند این مسئله عامل تشویق آنها خواهد شد.

□ در طول زندگی در صحنه تئاتر دوست داشتید چه نقش‌های را ایفا کنید؟

■ من فکر می‌کنم که یک بازیگر نباید در فکر نقش زیاد یا کم باشد. باید شخصیتی که به او محول می‌شود باور داشته باشد و با او زندگی کند و معرف زندگی نقش که به او داده شده است را بنحو احسن ارائه نماید چون هدف خط سیر زندگی نمایش مطرح می‌باشد.

□ از میان هنرمندان تئاتر چه کسانی را دلسوخته صحنه می‌بینید؟

■ همه آنهاست که به هنر تئاتر اعتقاد دارند و شناخت کامل دارند دلسوخته تئاتر هستند من فکر می‌کنم اسم بردن کاردرستی نخواهد بود. تئاتر عشق و علاقه می‌خواهد و جنبه عرفانی مسئله برای من مهم است.